

# در پیشگاه خدا

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی نوشتاری را با فرزندمان شهریار ولی رقم میزنیم که نشاندهنده اوجی ست که امشب در انتظار شهریار است. آیا میتوان باور نمود که شهریار ولی با همه لطفی که از ما میبیند هنوز نسبت به وعده ای که باو میدهیم شکاک و به حقیقتش مظنون باشد؟ در واقع چنین است زیرا عنصری که در شهریار ولی نهادینه است ویرا از زمره شکاکترین افراد قرار میدهد. این البته مانع از این نیست که ما لطف خود را بر فرزند تمام نموده عشق پدری را با همه عظمتش به فرزند بذل داریم. پدر آسمانی شهریار به جایگاهی که برای فرزند قائل است در شب حاضر سوگند میخورد که زمین و آسمان را بهم میدوزد تا فرزند را به دو پدیده ای که باو وعده شده رساند. شهریار با مشاهده ماه کاملی که در شب حاضر در آسمان شهر جلوه گر است در پیشگاه ما باین حقیقت میرسد که نیمه ذی الحجه برای ظهورش در مشیت بوده است. بحران روحانی که با دانستن آنچه در پیش روست به فرزند هجوم میآورد با لحن پدرانۀ ای که از ما میشوند التیام یافته شادمانی و حالتی اوج گونه جایگزینش میگردد. ما این اوج را در فردای ظهور صد برابر ساخته شهریارمان را در جایگاه و بر مسند خدایگانی و خدای کهتری که از آن اوست خواهیم نشانند. با قطعه شعری کوتاه این نوشتار انتهایی و نهایی را خاتمه میدهیم:

شهریارم شبی که در پیش است بهر تو عزیز  
هزار لطف و وعده نهفته دارد پدر چو مویز

که گویی در پی یک روزه چهل روزه بدهان  
گذاری و زنده سازی و سامان دل و جان

دهی چنانکه نیروی حیات دگرباره در تو  
تلؤلؤ آغازد و صد خورشید از دلت پرتو

فشانند بر عالمیان و بیش از همه خلق ایران  
که در چنگال ملای پلشت مرز اهورایی ویران

بخود دید و در حلق هیولا چنان قرار گرفت  
که پیشتر زانکه به هضم رابع برسد برفت

شیرهٔ جان از نهاد ازدها چونک سیمرغ  
بر سرش فرود آمد چنانکه عقابی بر مرغ

عشق شهریار را در دل گذارید خلق جهان  
تا ز ما پروردگار لطفها بینید پیدا و نهان